



## زکریا زیر دندان های گاندو

هنوز يك هفته از حمله گاندو به حوا نگذشته بود که عصر چهارم مرداد ۹۸، این بار پسر هشت ساله ای به نام زکریا اهل روستای کهیریز بالا از توابع بخش دشتیاری شهرستان چابهار، هدف حمله تمساح پوزه کوتاه ایرانی(گاندو) قرار گرفت.

از قرار معلوم، زکریا همراه با دوستان خود برای شنا و بازی به محل زیست تمساح پوزه کوتاه در حاشیه رودخانه رفته بود که ناگهان تمساح از آب بیرون آمد و زکریای کوچک را به دندان گرفت.

مردم روستا و دوستانش با تلاش زیادی او را در حالی که پای پیش به شدت زخمی شده بود، از میان دندان های گاندو بیرون کشیدند. زکریا با آمبولانس به نزدیک ترین مرکز درمانی منتقل شد و پس از انجام اقدامات درمانی بهبود یافت.

## گاندو علیه پیرمرد چوپان

درست يك ماه بعد از حمله گاندو به زکریای هشت ساله، هشتم شهریور، این بار نوبت يك پیرمرد سیستان و بلوچستانی بود تا وحشت حمله گاندو و اسارت میان دندان های او را با گوشت و پوستش احساس کند.

این پیرمرد که يك چوپان اهل روستای دمیگ از توابع بخش دشتیاری چابهار در جنوب سیستان و بلوچستان بود، تصمیم گرفت برای آبرسانی به گوسفندان خود به رودخانه ای که محل زندگی گاندوها بود، نزدیک شود. سطح آب آرام بود. پیرمرد به آرامی دست خود را درون آب فرو برد تا آب بردارد، اما ناگهان گاندو سطح آرام آب را درید و به پیرمرد حمله ور شد. شدت حمله تمساح به حدی بود که انگشتان دست راستش به شدت آسیب دید. پیرمرد بلافاصله توسط روستاییان به بیمارستان منتقل شد و پس از عمل جراحی، انگشتانش را پیوند زدند.

## جدال در دهانه سد

درست يك هفته بعد از حمله گاندو به پیرمرد، ۱۳ شهریور، نوجوان ۱۵ ساله ای از توابع پیشین شهرستان سرباز در جنوب استان، از ناحیه دست راست و ران مورد حمله تمساح قرار گرفت و آسیب دید. این نوجوان همراه دو نفر از دوستانش به نزدیک دهانه ورودی آب سد پیشین رفته بودند تا تفریح کنند، اما هدف حمله تمساح قرار گرفت. گاندو پسرک را به درون آب دریاچه کشید، اما دو نفر از دوستانش بدون ترس از حمله گاندو به خودشان، جلو رفتند و پسر نوجوان را از چنگال تمساح نجات دادند.

## گزارش تپش از حوادث تلخی

## که تمساح های پوزه کوتاه در سیستان و بلوچستان رقم زدند

# کابوس گاندو

شاید چند سال پیش که ملك دنيا شجره، پیرمرد خوش قلب و مهربان سیستان و بلوچستانی تصمیم گرفت به عشق حفظ جان و بقای گاندو یا همان تمساح پوزه کوتاه ایرانی، از جان و مالش مایه بگذارد، هرگز فکرش را هم نمی کرد روزی همین گاندوهایی که به عشق شان بیل مکانیکی آورد و برایشان چاه آب کند و برای غذایشان ضایعات گوشت و مرغ تهیه کرد، کابوس بچه های سیستان و بلوچستانی شود.

تصور روبه رو شدن با يك تمساح چند متری با دندان های تیز به اندازه کافی خوف آور است، اما طی این سال ها، بچه های زیادی با گاندوی سیستان و بلوچستان چشم در چشم شده اند. شانس با خیلی های شان یار بود و قبل از این که به دام دندان های برنده گاندو بیفتند، توانستند از خطر جان سالم به در ببرند، اما بعضی هایشان چندان خوش شانس نبودند و اسیر فك قدرتمند این خزنده زیبا شدند که یا به شدت زخمی شدند یا در بدترین حالت، دست یا انگشت شان قطع شد.

## زور گاندو بیشتر بود!

پرسروصداترین حادثه حمله گاندو، ماجرای دختر ۱۰ ساله ای به نام حواست که ۳۱ تیر همین امسال، تمساح ناغافل او را به دندان گرفت و به زیر آب کشید. ماجرا را از زبان خودش بخوانید: «داشتم کنار رودخانه لباس می شستم. یکدفعه روی آب را نگاه کردم. تمساح را دیدم که دهان بزرگش را باز کرده و به سمتم حمله ور شده بود. قصد داشت گردنم را بگیرد و مرا به درون رودخانه بکشد. اگر می گرفت، حتما کشته می شدم. من هم برای این که پوزه اش به گردنم نرسد، روی زمین خوابیدم، طوری که گردنم به زمین چسبید و تمساح به جای آن، دستم را میان دندان های تیزش گرفت. با همان حال، با صدای بلند داد زدم و به خواهرانم گفتم تمساح مرا خورد، تمساح مرا خورد. خواهرانم به سمت آمدند و با سنگ شروع به زدن تمساح کردند و بعد از آن، پاهایم را گرفتند و به سمت ساحل کشیدند. از يك طرف تمساح با دندان هایش دستم را می کشید و از طرف دیگر، خواهرانم پاهایم را محکم می کشیدند تا تمساح نتواند مرا به داخل رودخانه ببرد. در همان حال که جیغ می زدم، علی پسر عمه ام به کمکم آمد.

علی، پسر عمه ۱۴ ساله حوا، علت حمله تمساح را کمبود آب می داند. آن طور که او توضیح می دهد، در روستای کشاری شهرستان سرباز، میزان دسترسی اهالی به آب سالم بسیار کم است و گاهی حتی تا یکی دو ماه آب ندارند. به خاطر همین کمبود آب، مردم مجبور هستند برای برداشت آب، شستن ظروف یا لباس های شان به حاشیه رودخانه که زیستگاه گاندوست، بروند.

روز حادثه، زور گاندو خیلی زیاد بود، اما وسط تلاش های علی برای نجات حوا، گاندو یکدفعه دست حوا را رها کرد و رفت. دستش به شدت آسیب دیده بود و خونریزی داشت. او را به بیمارستان رساندند، اما درمان موثر نبود و دست راست دخترک را قطع کردند و حالا او باید با دست چپ، نوشتن را یاد بگیرد.



درست يك ماه بعد  
از حمله گاندو به  
زکریای هشت ساله،  
هشتم شهریور، این  
بار نوبت يك پیرمرد  
سیستان و بلوچستانی  
بود تا وحشت حمله  
گاندو و اسارت میان  
دندان های او را با  
گوشت و پوستش  
احساس کند.

